

پشت بام‌های «چاه‌نسر» از سال ۱۳۹۵ برق خورشیدی ذخیره می‌کنند تا نان و نوا را به زندگی روستاییان بیاورند

زیر سایه آفتاب



عکاس: مریم شریانی/شهرآرا

شهرآرا

روزنامه
شهرامید
ورندگی

اشنبه
۵ اردیبهشت ۱۴۰۵
۱۲ مرداد ۱۳۹۹
شماره ۳۳۹

۱۱



خراسانیات

آقای عطایی را دیدیم که از دامداران اصلی روستا بود. او گفت حال و روز این روزهای دامداران چاه‌نسر چندان خوش نیست: «همه گوسفندهایم از گشنگی غش کرده‌اند. نه کاه داریم نه چیز دیگر. گوسفندها صبح‌ها به چرامی روند و غروب‌ها گرسنه برمی‌گردند. بارندگی امسال خیلی کم بوده و اگر چند هفته دیگر هم خبری از باران نباشد، مجبوریم گوسفندها را بفروشیم. دیمه کاری‌ها هم خشکید.»

اهالی روستا که در این چندسال به چشم خود دیده‌اند نصب پنل‌های خورشیدی برای مددجویان کمیته امداد درآمدزایی داشته است، به فکر افتاده‌اند که در حد امکان این کار را انجام دهند؛ چون روستا هر سال دارد بیش از پیش به سمت خشک‌سالی پیش می‌رود، اما حالا برای نصب پنل، سرمایه بسیار زیادی لازم است که روستایی‌ها آن را ندارند، مگر اینکه وام بانکی به‌دانشان برسد.

● نبود شقایق‌ها باید ساخت

دیدار آخرمان با اسدا... عطاآبادی در خانه باصفا پیش بود. آقا اسدا... ۶۱ ساله و معتمدآبادی بود. او از قدیم چاه‌نسر برایمان گفت و روزگار سختی که داشتند، با کمو کاستی‌ها ساختند و حالا امکانات خوبی دارند. آقا اسدا... خوش حال بود که بین چاه‌نسری‌ها اختلاف و چنددستگی نیست و همه باهم متحد هستند. نصب پنل‌ها هم اتفاق خوبی برای روستای‌شان بوده، اگرچه مردم در ابتدا به دلیل نداشتن شناخت کافی، در برابر اجرای این طرح مقاومت می‌کردند: «حالا بیشتر اهالی درخواست نصب را دارند، اما سرمایه زیادی می‌خواهد. فعلا از طریق سپاه برای وام ۵۰ میلیونی ثبت‌نام می‌کنند. مردم هم خودشان ۳۲ میلیون دیگری می‌گذارند تا برایشان پنل نصب شود.»

قبل از بازگشت، از دامنه‌کوه کمی بالا رفتیم تا بتوانیم عکس مناسبی از پنل‌های روی پشت‌بام‌ها بگیریم. دامنه‌ها خشک بود و این طرف و آن طرف اندک سبزی‌ای دیده می‌شد. سالاری گفت: «یادم هست وقتی بچه بودم این دامنه‌ها پر از شقایق بود. جوری که وقتی از پایین به دامنه‌ها نگاه می‌کردیم انگار فرش قرمز پهن کرده باشند.» تصور چنین زیبایی‌ای، حسرت به دل می‌آورد، اما کاری نمی‌شود کرد. با طبیعت نمی‌توان جنگید، گرچه تغییر طبیعت رانشی از عملکرد نامناسب ما انسان‌ها بر روی زمین می‌دانند. در هر حال چاه‌نسر حالا قدیم فرق‌ها کرده، اما جای شکرش باقی‌ست که افراد زیادی حالا دارند از سفره خورشیدنان می‌خورند.

ببینیم. معماری خانه‌های روستا از حالت سنتی بیرون آمده و تقریباً همه‌شان سیمانی بود. فقط یکی دو تا سقف گنبدی دیده می‌شد که به گفته دهیار محل نگهداری دام است. آن‌طور که سالاری گفت، در چاه‌نسر طرح «هادی» اجرا شده است و می‌توان گفت روستا و کوچه‌ها و خانه‌هایش کوبیده و دوباره ساخته شده‌اند. در گذشته کوچه‌ها این قدر پهن نبوده، اما حداقل امکانات روستایی از سال‌ها قبل وجود داشته است: «از قبل از تولد من هم اینجا آب و برق داشته. فقط گاز نداشتیم که خدا را شکر ظرف چندماه آینده قرار است گاز کشی شود.»

مردمان چاه‌نسر برای سال‌ها دامداری و کشاورزی کرده و گندم و جو و هندوانه کاشته‌اند. زمین‌های کشاورزی حدود هفت هشت کیلومتر از روستا فاصله دارد. باغ‌ها همان جایی سبز شده که چاه‌ها قرار داشته‌اند، اما شواهد می‌گوید حالا این روستا دارد گرفتار خشک‌سالی می‌شود، مثل خیلی از آبادی‌های ایران که نبود بارندگی خاکشان را امسال تشنه‌تر از همیشه کرده است. برای همین است که چاه‌نسری‌ها روآورده‌اند به پسته و زعفران کاشتن تارزق و روزی‌شان را از سفره دیگری برداشت کنند.

● بقیه اهالی هم قصد نصب پنل را دارند

پنل‌های خانه شهربانو خانم بهمدی را هم دیدیم و چند کلامی با او حرف زدیم. شهربانو خانم گفت: «حالا که بچه‌هایم خانه خودشان رفته‌اند، نه گوسفند دارم و نه چیزی. تنها هستم و هر روز این پنل‌ها را تمیز می‌کنم. مشغول همین هستم دیگر. هر دوسه ماه، سه چهار میلیونی به حسام می‌ریزند.» مرغ و خروس‌های خانه از آفتاب وسط روز گریختند و زیر سایه پنل‌ها پناه گرفتند و ما از شهربانو خانم خدا حافظی کردیم.

بعضی از زن‌های چاه‌نسر به جز اینکه در کار کشاورزی و دامداری کمک‌حال مردانشان هستند، کار قالی‌بافی هم انجام می‌دهند. حالا تمیز کردن پنل‌ها برای زن‌های مددجوی روستا، کار جدیدی محسوب می‌شود. توی یکی از کوچه‌ها علی

مهاجرت به شهر اتفاق می‌افتد و از جمعیت کاسته می‌شود، در اینجا شمار ساکنان به مرور زمان بیشتر شده است. خانم دهیار توضیح داد که اینجا تقریباً همه امکانات زندگی فراهم است و دلیلی برای مهاجرت وجود ندارد: «تعمیرگاه، لباس فروشی، کفش فروشی، لوازم خانگی، مرکز بهداشت و حتی ساندویچی داریم. یک پست بانک هم داریم که کارهای کافی‌نت را انجام می‌دهد. اینجا آنتن دهی و اینترنت هم عالی است. برای همین با اینکه روستا به سمت خشک‌سالی رفته، مهاجرت خیلی کم داشته و پیشرفت آن خوب بوده است. در بعضی روستاها به سختی یکی دو تا سوپری دیده می‌شوند، ولی اینجا بیش از ۱۰ سوپری هست. مرغ فروشی و شیرینی فروشی هم داریم. مدرسه نیز تا کلاس هشتم هست.

بعد از آن بچه‌ها برای ادامه تحصیل باید به «تقی‌آباد» بروند. افرادی را داشته‌ایم که چندسالی در شهر زندگی کرده‌اند و بعد دوباره به اینجا برگشتند.»

● توان می‌تواند در کار پنل‌ها سنگ‌اندازی کند

پنل‌ها کمی زورش را زیاد کرد برایمان این سؤال پیش آمد که باد و توفان شدید، به پنل‌ها آسیب نمی‌رساند؟ طبق گفته‌های سالاری به دلیل توفان شدید اخیر می‌آمده، بعضی پنل‌ها از جا کنده شده‌اند: «سالی یک بار به آن‌ها خسارت وارد می‌شود و بیزه که اینجا منطقه‌ای بادخیز است. از طرف خود کمیته امداد افرادی هستند که برای رفع این مشکل می‌آیند، البته به مددجویان گفته شده بود که بهتر است به خاطر باد، یک سری جوشکاری‌هایی انجام شود که بعضی‌هایشان سهل‌انگاری کردند و این خسارت‌ها به همین دلیل پیش آمد.»

قبل از اینکه پنل‌ها را برای مددجویان نصب کنند، آن‌ها را برای آموزش دیدن به مشهد برده و تمام نکات لازم را به آن‌ها یاد داده‌اند، حتی شماره تلفنی به‌آن‌ها داده شد تا در مواقع ضروری بتوانند تماس بگیرند.

● کشاورزان حالا

پسته و زعفران می‌کارند
داشتیم می‌رفتیم
سمت خانه شهربانو
خانم تا پنل‌های
حیاط او را هم

به نیشابور پر است از انواع بیابان‌ها، کویر ماسه‌بادی، کویر بی‌آب و علف، کویر پر درختچه و دشت گونی که در نزدیکی کدکن است و نظر استاد شفيعی کدکنی را هم جلب کرده، همگی تنها در ۵۰ کیلومتر راه گله به گله کنار هم قرار گرفته است. با پشت سر گذاشتن این جاده آسفالت به پیچ و خم بیابانی، تابلو «چاه‌نسر» را خواهید دید. از جاده اصلی وارد فرعی کوتاهی شدیم، که ما را راحت به روستا رساند؛ به میدان وحدت و سکوت دلنشین روستا و بادی که در میان گرما راه خودش را باز کرده بود. ما برای دیدن پنل‌های خورشیدی رفته بودیم. هر بار اسم روستا را در اینترنت جست‌وجو کرده بودیم، عکس پشت‌بام‌های پوشیده از پنل‌ها را دیده بودیم، اما توضیح کافی‌ای برایش وجود نداشت. ما بنابر این گذاشتیم که با آمدنمان به روستا بتوانیم چند خطی درباره این تغییر بنویسیم، تغییری که زندگی ساکنان بی‌بضاعت زیادی را در این آبادی سرو سامان داده است.

فاطمه خانم عطایی تعارفمان زد بر رویم داخل که وقتش نبود و نرفتیم. پرسیدیم عایدی این پنل‌ها برایش چه بوده؟ گفت: «هر ۶۰ روز سه تا چهار میلیون می‌ریزند.» سالاری گفت: «وقتی قسط وام مددجویان تمام شود، تمام درآمد ذخیره برق به حسابشان می‌آید و آن موقع وضع بهتری هم پیدا می‌کند.»

پنل‌ها برای اینکه بازدهی خوبی داشته باشند، باید هر روز چندبار با تاتی‌هایی که اهالی خودشان درست کردند، خاک‌گیری شوند. میزان ذخیره برق با تمیزی پنل‌ها ارتباط مستقیم دارد.

● چاه‌نسری‌ها از وطنشان دل نمی‌کنند
چاه‌نسر ۴۰ خانوار و حدود ۱۵۰۰ نفر جمعیت دارد که از این میان، ۸۰ خانوار تحت پوشش کمیته امداد و مددجو هستند. تاکنون برای ۳۵ مددجو پنل خورشیدی نصب شده است تا از این محل، اموراتشان بهتر بگذرد.

نکته جالب توجه این است که براساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵، ۲۴۱ خانوار در روستا ساکن بوده‌اند، یعنی برخلاف بسیاری از روستاها که

دلیل چند چادر نشین اینجا آمده و زندگی را شروع کرده‌اند. بعدها کم‌کم چند خانوار دیگر آمدند. نسر هم به معنی سایه است. به دلیل اینکه چاه‌ها در سایه کوه بوده‌اند اینجا را چاه‌نسر می‌گویند.»

مرضیه سالاری، توی ماشین و در مسیر رسیدن به زادگاهش توضیح داد که کمیته امداد به مددجویانش وام داده و باهمان وام، این پنل‌ها را برایشان نصب کرده است. روستاییان حالا با فروش برق تولید شده به شبکه برق کشور درآمدی ثابت دارند.

توی چاه‌نسر، بعضی پنل‌ها روی بام خانه‌ها بود و بعضی‌ها توی حیاط‌های فراخی که روستاییان داشتند. کوچه‌ها پهن و آسفالت و خلوت بود و بادی که می‌وزید، احساس سبکی می‌داد. گاهی چند بچه با ماردوزن عبور می‌کردند. سگی هم از پی ما افتاده بود. سالاری طنابی را که از در خانه‌ای بیرون بود کشید و در باز شد. گفت: «خانه دایی‌ام است.»

رفتیم داخل. توی حیاط آفتاب گرفته، پنل‌ها کنار هم قرار گرفته بود و اهل خانه، داخل بودند. تعدادی پنل هم روی پشت‌بام قرار داشت. خانم خانه پرده توری را کنار زد و آمد توی حیاط. چادرش را دور کمرش بست و، مثل دامن.

● گاهی هم «امید» هست
راستش کم نبوده مواضعی که برای تهیه گزارش به روستاها رفته‌ایم و مشکلات مردم را چنان پیچیده به دست و پای آنان دیده‌ایم که امید چندان به حل آن نداشته‌ایم؛ انگار فقط یک مدد غیبی بتواند گره گشا شود. این‌ها همه از آن رو بوده که مسئولان از پس کار برنیا می‌آید. فقط آمده اند و رفته‌اند و این میان، تنها نظاره گر مشکلات مردم بوده‌اند. اما اگر بعدها بخواهیم سفر کوتا همان را به چاه نسر مرور کنیم چیزی که از ذهنمان می‌گذرد ایده هوشمندانه‌ای است که توانسته مشکلات مالی افراد زیادی را حل کند، افرادی که جزو مددجویان کمیته امداد هستند.

در روستای چاه‌نسر به چشم خود دیدیم چطور این ایده خلاقانه توانسته سر سفره آدم‌هایی نان بگذارد که نه توانی برای کار کردن دارند و نه سرمایه‌ای برای آن. این اتفاق بهترین دلیل و رهاورد گزارشی بود که در پی آن رفته بودیم.

● چاه‌هایی در سایه کوه

«نسر» به جایی از کوهستان می‌گویند که آفتاب به آن نمی‌تابد یا بسیار کم می‌تابد و نیز به سابیانی می‌گویند که پیر سر کوه، از چوب و علف ساخته می‌شود. وجه تسمیه روستای چاه‌نسر هم از همین تعبیر می‌آید. چون این آبادی، در پناه کوه است و به گفته خود روستاییان، سایه کوه، از بعد از ظهر روی خانه‌های روستا را می‌گیرد. اسدا... عطاآبادی که از بزرگان آبادی بود، در این باره گفت: «قدیمی‌ها مان می‌گفتند در گذشته، اینجا چشمه آبی بود. به همین

زمانی که ما این طرح را اجرا کردیم کمیته امداد، فقط چندان تایی را در مشهد نصب کرده بود. نیشابور اولین شهری در استان بود که بعد از مشهد، طرح نصب پنل‌ها را اجرا کرد. به گفته رئیس کمیته امداد امام خمینی شهرستان نیشابور، قبول این کار در اوایل هم برای مردم و هم مسئولان دشوار بوده است: «ما با شرکت برق قرارداد بستیم و کار

پس از مشهد، نیشابور در بهره‌مندی از پنل‌های خورشیدی پیش قدم بود

را شروع کردیم. به آن مددجویانی که شرایط وام اشتغال را داشتند حدود ۲۳ میلیون تومان وام دادیم. الان هر مددجوی به طور متوسط، ماهانه یک میلیون و شصت تومان درآمد دارد که ۳۰۰ تومان را بابت برای قسط وامش

